

تیتراژ امروز

فرماندهان نظامی ایران از تجهیز تروریست‌های غرب کشور توسط کنسولگری عربستان در شمال عراق گزارش می‌دهند

شلیک سعودی!



صفحه ۲

۱۰ کشته و ۲۷ زخمی در بزرگ‌ترین حادثه تروریستی ۴ دهه گذشته در آلمان

تروریسم ژرمنی

قاتل تحت تأثیر آندرس برویک

قاتل نژادپرست نروژی بوده است

صفحه ۱۵

سانحه رانندگی در جاده چالوس

واژگونی اتوبوس

۱۶ کشته برجا گذاشت

صفحه ۴

نمایندگان کمیسیون‌های اجتماعی-فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز» اعلام کردند

کم‌توجهی دولت به پایین دستی‌ها!

بهارستانی‌ها: در انتظار لایحه اصلاحی دولت برای سهم فقرا از بودجه ۹۵ هستیم

صفحه ۴

نگاه

عذرخواهی کافی نیست!

علیرضا مشتاق

عذرخواهی از اشتباهات و مشکلات، از سنت‌های حسنه‌ای است که دولت یازدهم می‌تواند از خود به جا بگذارد. نخستین هم در ماه‌های ابتدایی عمر دولت یازدهم و در فاجعه توزیع سبب کالا صورت پذیرفت. رئیس‌جمهور با مردم سخن گفت و تصریح کرد: «گر مردم در زمینه سبب کالا به زحمتی افتادند، من به عنوان رئیس‌جمهور از آنها عذرخواهی می‌کنم» اما همین عذرخواهی هم توسط بخشی از دولتمردان، کاری فوق‌العاده و غیرضروری دانسته شد و مثلاً سخنگوی دولت گفت: «رئیس‌جمهور نیز با فررتی از مردم عذرخواهی کرد، در حالی که استحقاقش را نداشت.» حال آنکه عذرخواهی حداقل واکنشی است که یک مسئول می‌تواند نسبت به مشکلاتی که در حیطه مدیریتش رخ داده است نشان دهد. در دیگر کشورها که سنت عذرخواهی مسؤولان سال‌هاست در آنها جا افتاده است و اخبار این عذرخواهی‌ها گاه به گوش ما می‌رسد و موجب شگفتی مان می‌شود، عذرخواهی واکنشی ابتدایی و حداقلی است. این عذرخواهی نمادی از پذیرش یک ضعف و سوءمدیریت است و نتیجه آن استعفا، برکناری یا تنزل رتبه آن مقام مسئول است. صرف عذرخواهی در موارد کلان، قطعاً هیچ‌گاه نمی‌تواند کافی باشد و اثر بازدارنده‌ای هم قطعاً نخواهد داشت. مسوولی که می‌تواند سالیان سال با بی‌لباقتی مقامی را اشغال کند و از مزایای آن - که بعضاً غیرقانونی است - بهره‌مند شود و می‌داند در بدترین حالت باید یک عذرخواهی لفظی کند، چرا باید از آن مزایا و لقمه‌های چرب و شیرین سفره گسترانده شده چشم‌پوشی کند؟ چرا باید بر نظارت بیفزاید؟ چرا باید مانع قصور و دست‌درازی‌های دیگران شود؟

در داستان اخیر فیش‌های نجومی، عذرخواهی لازم است ولی کافی نیست. هر که در حیطه مسئولیتش زیاده‌خواهی و زیاده‌خواری کرده، توصیه بیجا کرده یا توصیه بیجایی را پذیرفته، در فعالیت‌های خود قانون و مصلحت ملت را در نظر نگرفته و منفعت شخصی را ترجیح داده، در امر نظارت کوتاهی کرده یا هر گونه رفتار دیگری که به این بی‌برویی عظیم منجر شده و سرمایه اجتماعی نظام را بر باد داده است، باید خسارت وارده را جبران کند و پذیرای کفر قانونی عمل خود باشد. دولتمردان که در سال‌های اخیر نشان داده‌اند به ادبیات اسلامی در تبیین سیاست‌های‌شان علاقه‌مند هستند...

ادامه در صفحه ۵

۸۰ کشته و ۲۳۰ مجروح در حمله تروریستی داعش به تظاهرات شیعیان هزاره در کابل

خسته خسته از جفا

صفحه ۱۵



عکس: AFP

ضرورت هوشیاری در برابر FATF

ایمان اسدی*

۲۰۱۵ نیز در امتداد قطعنامه ۱۲۶۷، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۵۳، گروهک تروریستی داعش را هم به مصادیق آن اضافه کرد و کمیته تحریم القاعده به کمیته تحریم القاعده و داعش شورای امنیت تبدیل شد تا اینجای کار مشکلی پیش نمی‌آید اما مساله اینجاست که با توجه به تفاوت بنیادینی که بین ما و برخی کشورهای غربی در رابطه با معیارها و مصادیق تروریسم وجود دارد و به عنوان مثال در گزارش سالانه تروریسم وزارت خارجه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۴ تا امروز در زمره کشورهای حامی تروریسم قرار دارد و سازمان‌هایی چون حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین و گروه‌های شیعی عراق در لیست سازمان‌های تروریستی آن قرار دارند، حال اگر در شورای امنیت سازمان ملل متحد که تحت سیطره رویکرد غربی‌ها در مساله تروریسم است، حزب‌الله لبنان نیز طی قطعنامه‌ای به یکی از مصادیق تحریم‌های مالی هدفمند تبدیل شد، آنگاه باید جمهوری اسلامی همچنان تحت توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی عمل کند؟

ناگفته نماند اخیراً با تصویب قانون بی‌بی‌افا (Hizballah International Finan ing Prevention Act) در کنگره آمریکا علیه حزب‌الله لبنان با هدف جلوگیری از عواید حاصل از پولشویی در زمینه اقدامات تروریستی و بی‌ثبات‌کننده، روند جدیدی از اقدامات بین‌المللی در جهت جنگ اقتصادی با حزب‌الله لبنان آغاز شده است.

به نظر با توجه به نگرانی‌های عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد و تلاش مکرر مسؤولان دولتی به کتمان چنین نگرانی‌هایی، انتشار متن برنامه اقدام تروریسم کشورها را ملزم به رعایت قطعنامه ۱۲۶۷ (و آنچه در امتداد آن تصویب می‌شود) و قطعنامه ۱۲۷۳ شورای امنیت می‌کند که در آنها تحریم طالبان و القاعده پیش‌بینی شده است. سال

* کارشناس روابط بین‌الملل

درارای‌های ایران به واسطه یک شرکت کارگزاری لوکزامبورگی به نام «clear stream» صرف خرید اوراق خزانه‌داری آمریکا شده بود که ارتباط بین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و کارگزار لوکزامبورگی و بعدها بانک ایتالیایی UBAA که جایگزین آن شده بود، از طریق نرم‌افزار سوئیفت رمزگشایی شده بود. یعنی نرم‌افزار سوئیفت در کنار خدماتی که ارائه می‌دهد چنین تهدیداتی نیز در بطن خود نهفته دارد. دست آخر نیز با فشار کمیته بانکداری مجلس سنای ایالات متحده آمریکا و مصوبه اتحادیه اروپایی، ایران نخستین و در حال حاضر آخرین کشوری بوده که از سوی سوئیفت مورد تحریم قرار گرفته است.

رژیم تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، در وهله اول براساس اشراف و جمع‌آوری اطلاعات سرویس‌ها و نهادهای آمریکا از گلوگاه‌های حساس و حیاتی کشور استوار بود. مراقبت و حفاظت از برخی اسرار حساس و حیاتی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی و... قطعاً دست دشمن را در استفاده از ابزار تحریم‌های اقتصادی محدود می‌کند.

گروه ویژه اقدام مالی هرچند یک نهاد بین‌الدولی و لواطلبانه است و استانداردها و توصیه‌های آن برای هیچ کشوری الزامی نیست ولی به دلیل فراگیری این رژیم و تأثیرگذاری نسبتاً گسترده‌ای که امروز در تعاملات بانکی و مالی بین‌المللی در ۳ موضوع پولشویی، تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی سلاح‌های کشتار جمعی دارد، توانسته به یک نهاد تأثیرگذار در سطح نظام بین‌الملل و یک شبکه جهانی مبارزه با پولشویی تبدیل شود و در حال حاضر هیچ جایگزینی برای آن متصور نیست.

روزنه

پس از برگزاری نشست اخیر گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در بوسان کره‌جنوبی و انتشار بیانیه عمومی آن در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۶ که در آن از انعقاد یک برنامه اقدام (action plan) میان گروه ویژه و جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آمده بود، توصیه‌های فراوانی از سوی برخی دلسوزان مطرح شده است که پیرامون آن بیان برخی نکات خالی از سود نیست.

امروز در دل نظام بین‌الملل مستقر، نهادهای رژیم‌های متعددی در حوزه‌های موضوعی مختلف اعم از امنیتی و اقتصادی سر بر آورده‌اند که هر چند در ظاهر نشان از همکاری، همگرایی، درهم‌تنیدگی و وابستگی متقابل میان واحدهای نظام بین‌الملل دارند ولی براساس منطق رئالیستی نظام بین‌الملل، جایگاه کشورها در سلسله مراتب توزیع قدرت بین‌المللی، نقش ویژه‌ای در بهره‌گیری از این رژیم‌ها و یا استفاده ابزاری از آنها دارد.

به عنوان مثال امروز سیستم اطلاعاتی سوئیفت، هر چند دارای جایگزین‌هایی مانند تارگت ۲ (target 2) و... است ولی متخصصان این حوزه واقفند که هیچ‌یک فراگیری، قابلیت، امنیت، سرعت، کیفیت و دقت سوئیفت در کنار هزینه کمتر، ارائه خدمات ۲۴ ساعته (بدون تعطیلی) و قابلیت استناد حقوقی در دعاوی را دارا نیستند اما همین سوئیفت که مستقر در بلژیک و دارای ۲ مرکز پشتیبان در آمریکا و هلند است، ابزاری برای کسب اطلاع نسبت به تراکنش‌های بین‌المللی کشورهای استفاده‌کننده از این نرم‌افزار و بهره‌گیری از اطلاعات کشورها جهت مقاصد جاسوسی نیز هست، به عنوان نمونه در همین دعوی اخیر ایران و ایالات متحده در رابطه با رای دیوانعالی ایالات متحده آمریکا و مصادره دارایی‌های ایران در سیتی‌بانک نیویورک که در دادگاه لاهه نیز به ثبت رسیده است،

یادداشت امروز

از بروکسل تا مونیخ

بی‌کلاسی امنیتی!

دکتر زهرا طباطبائی

نامنی و کشتار در مونیخ نیز همچون ماجرای بروکسل، پاریس، نیس، اورلاندو، بیروت و بغداد محکوم است اما تغییر جهت ناگهانی حوادث به سمت



جزایر امن آمریکایی و اروپایی نیازمند کاوشی دقیق است. در آلمان نیز دستگاه‌های امنیتی پس از بروز حادثه، در معرکه حاضر شدند و شدیدترین واکنش‌ها را با مسدود کردن کل سیستم حمل‌ونقل و ایجاد ترس و وحشت عمومی بروز دادند. در پایان نیز پس از ساعت‌ها سمپاشی ضد اسلام و مهاجران و مسلمانان، پلیس اعلام کرد نه پای داعش در میان بوده، نه مهاجران! فرض کنید به‌عنوان رصدگر آزاد حوادث بین‌المللی تصمیم داریم نظریه‌ای غیرتخصصی با مرور صحنه جنایات و نوع و کیفیت اجرای آنها ارائه دهیم و بخشی از حقایق را از دریچه اطلاعات آزاد، کشف کنیم.

شباهت‌های مهم

همه حوادث اخیر فسارغ از اینکه داعش مسؤولیت آنها را پذیرفته یا سناریوی نهایی امنیتی‌ها، همجنس‌باز روانی، مهاجر پاکستانی ۱۷ ساله یا جوان ۱۸ ساله ایرانی-آلمانی را مقصر معرفی کرده، در چند خصوصیت مشترکند

۱- کل طراحی‌ها در امکان عمومی و پرجمعیت اجرا شده است و هرگز هیچ حمله‌ای به مراکز حساس نظامی، امکان دولتی یا حتی مقامات شهری و کشوری با جدی‌ترین مواضع ضداسلامی یا مهاجرستیز صورت نگرفته است. پس اگر بحث انتقام‌گیری نیز در پس‌زمینه فکری قاتل یا قاتلان وجود داشته، جامعه‌ستیزی منجر به اجرای نقشه «انتقام‌گور» شده است که با انگیزه‌های یک گروه «ایدئولوژیک» همچون داعش چندان همخوان نیست.

۲- تحریک افکار عمومی با دامنه و بسامد حداکثری پس از هر حادثه صورت گرفته و دست‌کم برای ساعت‌ها بعد از هر قتل، خبررسانی و گزارش‌دهی پیرامون مخاطرات زندگی مشترک با «مسلمانان» به مخاطب عرضه شده است.

۳- پس از وقوع هر فاجعه، دستگاه‌های امنیتی کشورها بی‌شرفانه، بالاترین حد هشدار را بدون توجه به وسعت ماجرا و تعداد کشته‌ها صادر کرده‌اند به نحوی که تعطیلی کل زیرساخت حمل و نقل عمومی، اعلام شرایط حکومت نظامی و زندانی کردن مردم در خانه‌ها، رستوران‌ها و مراکز عمومی، شهروندان را به این نتیجه رسانده که ادامه زندگی با این شرایط ممکن نیست و باید «چاره‌اندیشی» کرد.

۴- عامل یا عاملان همه ترورها افرادی ناشناخته، گنگ و پیچیده باقی مانده‌اند و دقیقاً مشخص نشده رفتار آنها ناشی از «جنون آنی» و «مصرف مواد مخدر» بوده یا احیاناً پای موارد دقیق‌تری مثل تحریک، گروگانگیری و فشار در کار بوده است. بعضاً سناریوهای اعلامی توسط دستگاه‌های امنیتی در پایان ماجرا، با کنکاش رسانه‌های محلی در سبک زندگی قاتلان، نقش نیز شده است... مثل ماجرای اورلاندو و همچنین باودن یوزن قاتل یا بی‌بند و باری جنسی عوامل حوادث بروکسل!

۵- مطالعه امکان جغرافیایی وقوع حوادث تروریستی نشان از «بی‌هدفی» جریان‌سازان و مجریان پروژه دارد به نحوی که به نظر می‌رسد صرفاً «تحریک عمومی» مخاطبان با ملیت‌ها و گرایش‌های مختلف در دستور کار مدیران عملیات بوده است.

۶- دستگاه‌های امنیتی غربی‌ها در همه پرونده‌ها بشدت «فافلگیر» شده‌اند و عجیب‌ترین واکنش‌ها را در مواجهه با عملیات شهری ضدتروریستی نشان داده‌اند به نحوی که در میان ملیات‌دهندگان این گمانه به وجود آمده که اگر سیستم‌های عریض و طویل نظامی آنها پس از نقض گسترده حریم شخصی شهروندان، کنترل تلفن، اینترنت، تبادل‌ات بانکی، گمرک، مرز و... از توان جلوگیری از حمله «زامبی‌ها» در عمق خاک خودی برخوردار نیستند، اصولاً به چه کار می‌آیند!

اهداف سیاسی-اجتماعی

تا اینجای کار موفق شدیم درون یک «بی‌نظمی کامل جهانی» با نقاط برجسته به ظاهر بی‌ربط، لیستی از اشتراکات بیابیم.

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir



به خانواده بزرگ‌تر رسیدیم
اجازه ندهیم رسانه‌ها ما را از هم دور کنند